

عوامل اجتماعی مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (کارمندان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان)

دکتر معصومه مطلق^۱، الهام شیخ برد سیری^۲

چکیده

هدف از این پژوهش مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده بین زنان و مردان می‌باشد. از آنجاییکه در سیر تحولات مدرن شدن جوامع خانواده شاهد حضور زنان در فعالیت‌های اجتماع و بالارفتن سطح تحصیلات و نرخ مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف نسبت به دهه‌های پیشین شده است. بدین ترتیب قدرت در تصمیم‌گیری نیز از موضوعات مهم در حوزه خانواده به شمار می‌آید. در مقاله حاضر از نظریه منبع، ستیز، سرمایه اجتماعی بوردیو و طرح واره جنسیتی ب‌م استفاده شده است. سپس با استفاده از روش پیمایش و طرح پرسش‌نامه و توزیع آن در جامعه آماری به تعداد ۲۰۲ نفر به صورت تمام شماری داده‌ها را گردآوری نموده است. در نهایت نتایج گویای آن بود که میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده در جامعه آماری، با توجه به داشتن تحصیلات، شغل و درآمد می‌تواند به عنوان منبع قدرت عمل کنند و باعث افزایش اقتدار زن در خانواده شوند از طرف دیگر سنجش باورهای قالبی جنسیتی و ایدئولوژی مرد سالاری نشان داده است که با وجود رویارویی با ارزشی‌های مدرن و پذیرش بخشی از این ارزش‌ها، هنوز برای ویژگی‌ها و نقش‌های سنتی اهمیت زیادی قائل هستند و رابطه قوی و مستقیمی با قدرت تصمیم‌گیری دارد.

واژگان کلیدی: قدرت تصمیم‌گیری، خانواده، باورهای قالبی جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۲۲

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک m-motlag@iau-arark.ac.ir
^۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی bardsiri_65@yahoo.com

مقدمه و بیان مساله

خانواده از گذشته تا به امروز از نهادهای مهم و تاثیرگذار به شمار می‌آید و جامعه‌شناسان همواره نسبت به تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر ساخت و کارکرد و کنشگری اعضای خانواده دقت نظر داشتند از جمله موضوعاتی که با توجه تحولات زندگی اجتماعی شهروندان دغدغه زیادی به همراه داشته است نابرابری جنسیتی در هرم قدرت خانواده بوده است و امکان تصمیم‌گیری برابر که از خروجی‌های آن محسوب می‌شود گرچه نابرابری جنسیتی واقعیتی اجتماعی در هر برهه‌ای از تاریخ بشری بوده و هر گونه رفتار، زبان، سیاست و یا سایر واکنش‌هایی که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت فراگیر و نهادینه شده‌ی اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد معنای نابرابری جنسیتی می‌باشد (گروسی، ۱۳۸۴: ۱۰). جامعه‌شناسان معتقدند اگر تقسیم‌کار در سطح کلان یک جامعه‌ی جنسیت یافته باشد و کارها بر اساس جنس افراد تعریف و توزیع شوند، مردان منابعی بیش از زنان کسب می‌کنند. اینان معتقدند که نظام تقسیم‌کار سنتی مبتنی بر اختصاص فعالیت‌های خانگی به زنان و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان در خدمت تثبیت قدرت و تسلط مردان بر زنان بوده است. یکی از عوامل تداوم تقسیم‌کار سنتی جنسیتی، وجود و باز تولید تعاریف جنسیتی تأییدکننده‌ی تقسیم‌کار و نظام نقش‌های جنسیتی است (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۳۶). از آنجا که خانواده اصلی‌ترین واحد اجتماعی است و هر انسانی اولین مراحل جامعه‌پذیری را در کانون خانواده پشت سر می‌گذارد، بنابراین اولین نمونه‌های نابرابری جنسیتی را نیز در خانواده تجربه می‌نماید، روابط پدر و مادر و سهم بری آنها از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی تصویری عینی از روابط زن و مرد و تقسیم سرمایه بین آنها در ذهن کودک ایجاد می‌نماید، اگر به‌رمندی زن و مرد از امکانات مختلف نابرابر باشد این تصویر در ذهن کودکان شکل می‌گیرد که نابرابری جنسیتی امری طبیعی است. از سوی دیگر اگر باورهای قالبی جنسیتی از سوی زن خانواده پذیرفته شده باشد، دو پیامد مهم به همراه خواهد داشت: نخست باعث می‌شود زن موقعیت فرودست خود و سهم بری نابرابر از امکانات موجود را بپذیرد، دوم مادر که مهمترین کارگذار جامعه‌پذیری تلقی می‌شود این باور را به نسل‌های آتی منتقل کند، هر دو پیامد فوق باعث استمرار و بازتولید نابرابری در خانواده و به دنبال آن در جامعه می‌شود (گروسی، ۱۳۸۳: ۴). امروزه در ایران با افزایش تحصیلات زنان، تغییر در وضعیت اشتغال و تغییر در الگوی سکونت که منجر به سکونت در شهرها و مناطق جدید شده است،

وضعیت مشارکت خانوادگی زنان بیش از پیش تغییر کرده است. شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان در خانواده از مباحث مهم و مطرح است، و این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا عوامل اجتماعی قدرت تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر دارد؟

پیشینه تحقیقاتی

تحقیقی در بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت خانوادگی زنان متأهل شهر آبادان در سال ۱۳۹۳ انجام شد که با استفاده از رویکردهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی به بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده پرداخته است. بدین ترتیب، نتایج آزمون رابطه معناداری بین متغیرهای نگرش‌های جنسیتی زنان، میزان منابع ارزشمند زنان، تطابق-پذیری زنان، اشتغال زنان و سن همسر با قدرت زنان در خانواده نشان می‌دهد؛ اما رابطه‌ی متغیرهای سن زنان، قومیت زنان و مردان و طول مدت ازدواج با قدرت زنان در خانواده معنادار نبوده است. تأثیر منابع در دسترسی زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده در شهر بابل تحقیق دیگری است که توسط هوشنگ ناییبی و میمنت گلشنی انجام شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که میان اشتغال تحصیلات و دارایی شخصی زنان با افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد اما میان درآمد و منزلت شغلی با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه‌ای وجود ندارد (ناییبی، گلشنی، ۱۳۵، ۱۳۹۲).

تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه‌ی شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن» صورت گرفته است. این تحقیق با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، به ویژه عوامل ایدئولوژیک و عقاید قالبی، انجام شده است. نمونه‌ی مورد پژوهش ۶۸۲ نفر از زنان متأهل ساکن شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن بوده است. یافته‌ها نشان داد که در این منطقه نابرابری جنسیتی به گونه‌ای محسوس وجود دارد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی در خانواده چنین بوده است: سطح تحصیلات مرد و زن، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، عقاید قالبی جنسیتی و... که در ارتباط با متغیر وابسته نابرابری جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این پژوهش نشان داد که بیشتر زنان به عقاید قالبی که زنان را ضعیف، وابسته، ناتوان، بی‌صلاحیت، احساساتی و غیر منطقی می‌داند باور دارند (گروسی، ۱۳۸۴). تحقیقی دیگر با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت

زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» توسط علی امامی نصیر محله صورت گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که «چه عواملی بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده تأثیر دارد.» متغیرهای مستقل فرضیات تحقیق عبارتند از: وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، میزان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی، فاصله سنی زوجین و... در نظر گرفته شدند. نتایج حاکی از معنادار بودن رابطه‌ی میان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به قالب‌های جنسیتی و تعداد فرزندان و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده است. اما میان وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، فاصله‌ی سنی زوجین، طول مدت ازدواج، میزان قدرت مادر پاسخگویان و میزان علاقه‌ی شوهر به همسر و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه‌ی معناداری یافت نشد (امامی نصیر محله‌ای، ۱۳۸۳). کولیک در سال ۱۹۹۹ سعی نموده با انجام دادن پژوهشی درباره‌ی روابط قدرت زندگی زناشویی، منابع آن و ایدئولوژی نقش جنسیتی را شناسایی نماید. این تحقق تأثیر مجموعه‌ی متنوعی از متغیرها شامل منابع، مشارکت عاطفی و عوامل پیش‌زمینه‌ای را بر سر روابط قدرت و وابستگی به همسر بررسی کرده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش مردان متأهل هستند. در این تحقیق نتایج بین دو گروه از مردان، یعنی مردانی که نگرش‌های نقش جنسیتی مدرن و نگرش‌های نقش جنسیتی سنتی دارند، مقایسه شده است (کولیک، ۱۹۹۹: ۱۹۸).

چارچوب نظری:

در این تحقیق به منظور بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر قدرت تصمیم‌گیری سعی شده است تا از نظریات ستیز و منابع و تئوری بم و همچنین نظریه بوردیو به منظور تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده گردد. نظریه منابع به منزله‌ی یکی از نظریاتی است که به مبحث رابطه‌ی قدرت در خانواده می‌پردازد. این تئوری نخستین بار توسط بلاد و ولف در دهه‌ی ۱۹۶۰ مطرح شد، بر اساس این نظریه «قدرت فرصتی است که در چارچوب رابطه‌ی اجتماعی وجود دارد و به فرد امکان می‌دهد، صرف نظر از پایه‌ای که قدرت مذکور بر آن استوار است اراده‌اش را، حتی به رغم مقاومت دیگران، بر آنها تحمیل کند» (زنجانی زاده، ۱۳۹۰) بر این اساس فرد یا گروهی از افراد قدرت دارند که بتوانند اراده و مقصود یا مقاصد خود را بر دیگران و از جمله بر کسانی که ناراضی و مخالفند تحمیل کند و هر اندازه که توانایی تحمیل اراده و نیل به مقصود مورد نظر بیشتر باشد، قدرت فرد نیز بیشتر است. آنچه به فرد توانایی تحمیل اراده‌ی خود به اراده‌ی دیگری را، به رغم

نارضایتی او می‌دهد، منابع می‌نامند. منظور از منبع «هر خصوصیت، وضع یا دارایی است که امکان تأثیر گذاری دارنده‌ی آن را بر شخص یا گروه دیگر افزایش دهد (زنجانی زاده، ۱۳۹۰). این منابع می‌تواند شامل خصوصیات فردی چون جذابیت ظاهری، پرستیژ اجتماعی، کاریزما، شهرت و... یا داشتن موقعیت‌های اجتماعی چون مقام سیاسی، عضویت در انجمن‌ها و محافل رسمی و غیر رسمی، آشنا بودن با اشخاص صاحب نفوذ و در نهایت در اختیار داشتن منابع مادی چون ثروت، زمین و... باشد. نظریه ستیز نیز که نابرابری اقتصادی میان مردان و زنان را منشأ اصلی نابرابری جنسیتی می‌داند و از آنجایی که مردان دسترسی بیشتری به منابع قدرت دارند از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشربندی مبتنی بر جنسیت استفاده کرده‌اند. کالینز سه اصل بنیادی را برای قشربندی مبتنی بر کشمکش ارائه می‌دهد، نخست آنکه آدم‌ها در جهان‌های ذهنی خودساخته‌ای زندگی می‌کنند. دوم آنکه، آدم‌ها قدرت تأثیر گذاری یا حتی نظارت بر تجربه‌ی ذهنی افراد دیگر را دارند، سوم اینکه آدم‌ها غالباً می‌کوشند افراد دیگری را که با آنها مخالفت می‌ورزند تحت نظارت خودشان در آورند. نتیجه‌ی همه‌ی این اصول بنیادی احتمالاً کشمکش بین اشخاص است. کالینز معتقد است که ترتیب‌های مادی بر کنش متقابل تأثیر می‌گذارند. کنشگرانی که منابع مادی قابل توجهی در اختیار دارند، می‌توانند در برابر فشارهای مادی مقاومت کنند و حتی آنها را دگرگون سازند، اما آنهایی که به منابع اندکی دسترسی دارند، احتمالاً افکار و اعمالشان بیشتر از افراد دسته‌ی بالا تحت تأثیر محیط مادیشان تعیین می‌شود. کالینز استدلال می‌کند که در موقعیت نابرابر، آنهایی که منابع را تحت نظارت خود دارند، احتمالاً می‌کوشند تا افراد فاقد منابع را استثمار کنند. (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۷۳). بوردیو نیز معتقد است نابرابری ترکیبی نسبی از انواع سرمایه‌های (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی) در یک میدان و میزان سهم بری هر فرد در این ترکیب و از هر نوع خاص سرمایه می‌داند. او معتقد است که مجموعه این سرمایه‌ها موقعیت اجتماعی و طبقه‌ی فرد را مشخص می‌کند.

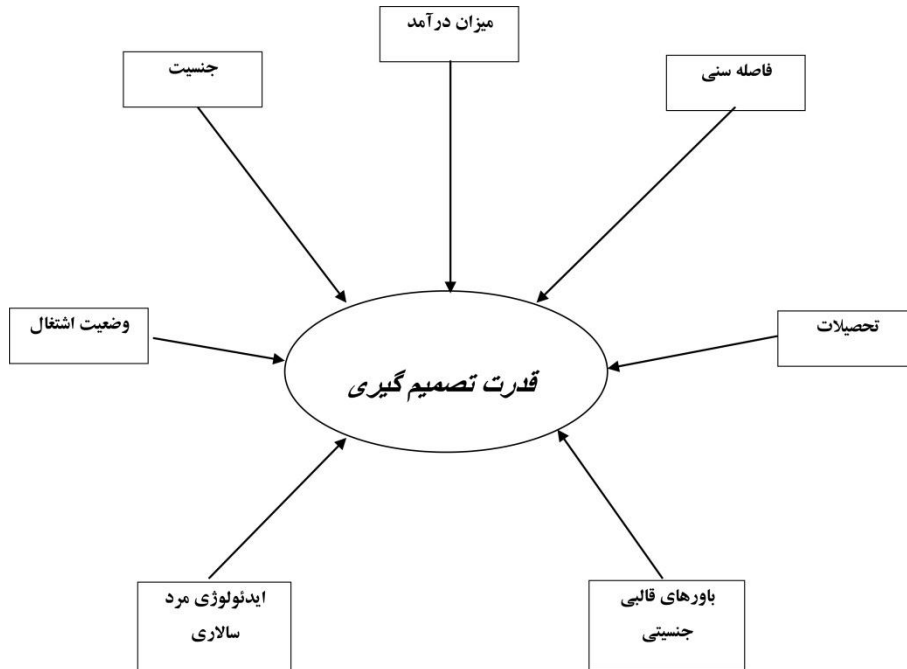
بم معتقد است که نقش‌پذیری جنسیتی کودکان و تشکیل کلیشه‌های جنسیتی در افراد به واسطه‌ی فرایند یادگیری تدریجی محتوای طرح‌واره‌ی جنسیتی جامعه می‌باشد. زیرا تداعی‌های منسوب به جنسیت در فرهنگ ما چشمگیر است. فرضاً ذهنیاتی چون «پسران قوی و دختران ضعیف و خوشگل و...» هستند، در این مقوله جای می‌گیرد. به این ترتیب، دختر پنج ساله می‌داند که مؤنث است و باید این مفهوم را با مؤنث بودن خویش همسنگ نماید. بنابراین، به طور غیر ارادی این

دختر خود را با شرایط متعارف و هنجارهای اجتماع سازگار می‌کند (هاید، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۵). بر اساس نظریه بَم کلیشه‌ها و باورهای جنسیتی و تمام عواملی که باعث ایجاد و یا کاهش آن در افراد می‌شود می‌توانند متغیرهای اثر گذار بر تصمیم‌گیری زنان در خانواده باشند. در تمامی این نظریه‌ها دو نظریه ستیز و منابع منشأ نابرابری جنسیتی موجود بین زن و مرد را دسترسی نابرابر آنان به منابع مختلف می‌دانند. بر این اساس هر چقدر دسترسی زنان به منابع اقتصادی و اجتماعی بیشتر باشد توان بیشتری برای اعتراض به نابرابری‌ها داشته و نگرش منفی‌تری را نسبت به نابرابری جنسیتی خواهد داشت (کالینز، ۱۹۷۵: ۲۸۲). نظریه بوردیو و بَم نیز گویای آن است که جامعه‌پذیری جنسیتی از طریق خانواده و اجتماع و... منجر به پذیرش نقش‌های جنسیتی، باورهای قالبی جنسیتی و عمل بر طبق این باورهای جنسیتی می‌گردد. که این پذیرش منجر به سلطه‌ی مرد سالاری و تابعیت زنان می‌گردد.

فرضیات تحقیق:

۱. به نظر می‌رسد بین جنسیت و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین فاصله سنی زوجین و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین ایدئولوژی مرد سالاری و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین باورهای قالبی جنسیتی و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد.

مدل مفهومی



روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی - اسنادی استفاده شده است و از تکنیک پرسشنامه و فیش برداری برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است جامعه آماری که به آن جمعیت آماری هم می‌گویند عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص دارای یک یا چند صفت مشترک باشند. هر چه جامعه آماری کوچک‌تر باشد می‌توان آن را دقیق‌تر از یک جامعه آماری بزرگتر مطالعه نمود. منظور از جامعه آماری همان جامعه اصلی است، که از آن نمونه‌ای نمایا یا معرف بدست آمده باشد. جامعه آماری این پژوهش کارمندان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان می‌باشد که تعداد آنها ۲۰۲ نفر می‌باشد. چنانچه جامعه آماری بزرگ باشد، محقق با توجه به محدودیت امکانات ناچار است از بین افراد جامعه تعداد مشخصی را به عنوان نمونه برگزیند و با مطالعه این جمع محدود ویژگی‌ها و صفات جامعه را مطالعه کرده، شاخص‌ها و اندازه‌های آماری آن را محاسبه کند به این جامعه محدود نمونه می‌گویند. برای

انتخاب نمونه آماری با توجه به تعداد کم جامعه آماری روش تمام شماری یا سرشماری مورد استفاده قرار گرفته، جمع آوری اطلاعات از همه اعضای جامعه را سرشماری می‌گویند. بنابراین سرشماری بررسی است که تمام اعضا و واحدهای جامعه را در بر می‌گیرد. از آنجا که تعداد کل جامعه آماری ۲۰۲ نفر بود پرسش نامه بین همه آنها بصورت تمام شماری توزیع گردید. ضریب آلفای کرونباخ در این بررسی برابر با ۰/۸۰۱ بدست آمده است. مقادیر آلفا بزرگتر از ۰/۷ نشان دهنده این است که ضرایب پایایی قابل قبول است و بنابراین پایایی محاسبه شده در این پژوهش حاکی از اعتبار قابل قبول ابزار اندازه‌گیری می‌باشد.

تحلیل یافته‌ها

مطالعه حاضر، با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (کارمندان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان می‌باشد) به همین منظور با استفاده از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده از سوی سایر محققان، ۷ فرضیه طرح شده است و سپس متغیرها در قالب یک پرسش نامه در اختیار نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۲ نفر به صورت تمام شماری کارمندان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان قرار گرفته است. سپس داده‌های گردآوری شده به منظور آزمون فرضیات در سطوح تحلیل شامل رگرسیون، مقایسه میانگین، ضرایب همبستگی مطالعه شده است. براساس نتایجی که با استفاده از نرم افزار spss بدست آمده است، یافته‌های حاصل از ویژگی‌های جمعیتی پرسش نامه در جداول و نمودارها نشان می‌دهد از بین کارمندان متأهل دانشگاه آزاد که مورد بررسی قرار گرفتند جنسیت ۱۱۰ نفر مرد می‌باشند (54.4%) و ۹۲ نفر (45.5%) از آنها زن می‌باشد. تعداد (۴۲.۶٪) از پاسخ دهندگان مدرک تحصیلی آنها لیسانس بوده که بیشترین فراوانی را داشته، وضعیت شغلی ۴۷٪ از جامعه آماری قراردادی می‌باشد که بیشترین فراوانی را دارد، یافته‌های جدول نشان می‌دهد که حوزه‌ی کاری ۲۱.۳٪ از جامعه آماری، حوزه مالی است، سابقه کاری ۵۳.۳٪ از پاسخ دهندگان بین ۱۰ تا ۲۰ سال است، یافته‌های جدول نشان می‌دهد که درآمد ماهیانه ۴۶.۵۳٪ از پاسخ دهندگان درآمدی بیشتر از ۷۰۰ هزار تومان داشته‌اند و همچنین تعداد ۳۸.۶٪ از پاسخگویان کمتر از ۵ سال با همسرشان اختلاف سنی داشته‌اند. با توجه به جدول مربوطه، میانگین شاخص قدرت تصمیم‌گیری ۱۰۲.۳۲ می‌باشد و انحراف معیار آن ۱۴.۲۴۵ می‌باشد.

با توجه به بررسی رابطه جنسیت با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، که به عنوان فرضیه اصلی مطرح شده از ضریب همبستگی لاندا برای سنجش رابطه استفاده شد که مقدار آن ۰.۲۱۷ و سطح معناداری ۰.۰۰۰، بنابراین فرضیه H1 تأیید و قدرت تصمیم‌گیری در مردان بیشتر از زنان است.

جدول ۱: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و جنسیت

قدرت تصمیم‌گیری		
جنسیت	همبستگی لاندا	فراوانی
	ضریب همبستگی	
	معنی‌داری	۰/۰۰۰
	۰/۲۱۷	۲۰۲

در بررسی فرضیه فرعی اول (به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد) در بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که میزان ضریب همبستگی ۰.۱۴۳ و مقدار معناداری ۰.۰۴۳ می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت بین میزان تحصیلات و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیمی وجود دارد و فرضیه H1 تأیید می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و تحصیلات

قدرت تصمیم‌گیری		
تحصیلات	همبستگی پیرسون	فراوانی
	ضریب همبستگی	
	معنی‌داری	۰/۰۴۳
	۰/۱۴۳	۲۰۲

در بررسی فرضیه دوم (به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد) برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی لاندا استفاده شده که میزان آن ۰.۲۱۳ و مقدار معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که بین وضعیت اشتغال و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد و قدرت تصمیم‌گیری در پیمانکاران بیشتر و در قراردادی‌ها کمتر می‌باشد، بنابراین فرضیه H1 تأیید می‌شود.

جدول ۳: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و وضعیت اشتغال

قدرت تصمیم‌گیری		
وضعیت اشتغال	همبستگی لاندا	فراوانی
	ضریب همبستگی	
	معنی‌داری	۰/۰۰۰
	۰/۲۱۳	۲۰۲

در بررسی فرضیه سوم (به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و قدرت تصمیم‌گیری خانواده رابطه وجود دارد) برای این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که مقدار آن ۰.۱۶۰ و

۸۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

مقدار معناداری ۰.۰۲۳ می‌باشد که فرض صفر رد می‌شود بنابراین بین میزان درآمد و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیمی وجود دارد و H1 تأیید می‌شود.

جدول ۴: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و درآمد

قدرت تصمیم‌گیری		
درآمد	همبستگی پیرسون	
	ضریب همبستگی	معنی داری
	۰/۱۶۰	۰/۰۲۳

در بررسی فرضیه چهارم (به نظر می‌رسد بین فاصله سنی زوجین و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد) میزان ضریب همبستگی پیرسون ۰.۱۳۱ و مقدار معناداری ۰.۰۶۴ می‌باشد بنابراین فرض صفر در سطح ۰.۰۵ تأیید می‌شود بنابراین بین فاصله سنی زوجین و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه معنا داری وجود ندارد و H0 تأیید می‌شود.

جدول ۵: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و فاصله سنی زوجین

قدرت تصمیم‌گیری		
فاصله سنی زوجین	همبستگی پیرسون	
	ضریب همبستگی	معنی داری
	۰/۱۳۱	۰/۰۶۴

در بررسی فرضیه پنجم (به نظر می‌رسد بین ایدئولوژی مرد سالاری و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد) میزان ضریب همبستگی پیرسون ۰.۷۱۹ و مقدار معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد بنابراین فرض صفر در سطح ۰.۰۵ رد می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت بین ایدئولوژی مرد سالاری و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه قوی مستقیمی وجود دارد و فرض H1 تأیید می‌شود.

جدول ۶: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و ایدئولوژی مرد سالاری

قدرت تصمیم‌گیری		
ایدئولوژی مرد سالاری	همبستگی پیرسون	
	ضریب همبستگی	معنی داری
	۰/۷۱۹	۰/۰۰۰

و همچنین با توجه به جدول ۴-۴-۶ در بررسی فرضیه ششم (به نظر می‌رسد بین باورهای قالبی جنسیتی و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه وجود دارد) میزان ضریب همبستگی پیرسون برای این فرضیه ۰.۸۰۹ و مقدار معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد بنابراین فرض صفر در سطح ۰.۰۵ رد

می‌شود بنابراین بین باورهای قالبی جنسیتی و قدرت تصمیم‌گیری رابطه قوی و مستقیمی وجود دارد.

جدول ۷: ضریب همبستگی متغیرهای قدرت تصمیم‌گیری و باورهای قالبی جنسیتی

قدرت تصمیم‌گیری		فراوانی	باورهای قالبی جنسیتی
همبستگی پرسون	ضریب همبستگی		
معنی داری	۰/۸۰۹	۲۰۲	۰/۰۰۰

نتایج استنباطی تحلیل مدل چند متغیره تحقیق

مدل برازش عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در خانواده

برای برازش مدل تبیین‌کننده عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در خانواده از مدل رگرسیونی ساده استفاده شده است. برای برازش مذکور از میان کلیه متغیرهای پژوهش حاضر (جنسیت، نوع شغل، میزان تحصیلات، درآمد، باورهای قالبی جنسیتی، ایدئولوژی مرد سالاری) به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شدند، و در پایان متغیرهایی که با بیشترین R^2 در تعامل با هم هستند در مدل باقی می‌مانند. نتایج تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در خانواده نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل وارد شده، در مدل رگرسیونی در مدل نهایی متغیرهایی که وارد معادله رگرسیونی شده‌اند تقریباً ۰/۷۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول ۸: آماره‌های تحلیلی رگرسیونی چند متغیره تصمیم‌گیری در خانواده

ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تصحیح شده	اشتباه معیار
۰/۸۶۲	۰/۷۴۳	۰/۷۳۵	۷/۳۳۲

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای تبیین‌کننده به طور معنا داری قادر هستند تغییرات متغیر وابسته (تصمیم‌گیری در خانواده) را پیش‌بینی کنند؛ به عبارت دیگر مدل تبیینی تصحیح شده معنی دار می‌باشد.

جدول ۹: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره تصمیم‌گیری در خانواده

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F آماره	سطح معنی داری
اثر رگرسیونی	۶	۳۰۳۰۷/۸۱۹	۵۰۵۱/۳۰۳	۹۳/۹۷۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۹۵	۱۰۴۸۱/۶۰۳	۵۳/۷۵۳		
کل	۲۰۱	۴۰۷۸۹/۷۲۳	-		

۸۸..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

با توجه به نتایج جدول مشخص می‌شود که متغیرهای باورهای قالبی جنسیتی و ایدئولوژی مرد سالاری دو عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در خانواده هستند و سایر عوامل یا تأثیر بسیار کمی داشته و یا اصلاً تأثیری نداشته‌اند و از مدل نهایی حذف شده‌اند.

و در نهایت به مدل زیر می‌رسیم:

$$۰/۸۱۷ + (\text{باورهای قالبی جنسیتی}) + ۱/۳۶۷ + ۴۷/۲۷۷ = \text{تصمیم‌گیری در خانواده (}$$

ایدئولوژی مرد سالاری)

بحث و تحلیل

در دوران‌ها، خانواده، نقش‌ها و مسائل روابط درونی و بیرونی آن دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات بسیار شده است. برخی آن را نهادی رو به زوال می‌پندارند که وظایف و کارکردهای خانواده به تدریج به کل جامعه یا دیگر نهادهای اجتماعی منتقل می‌شود. اولین نشانه‌های نابرابری جنسیتی در خانواده، با تولد نوزاد نمایان می‌شود. شاید اولین پرسشی که بعد از تولد هر نوزادی پرسیده می‌شود در ارتباط با جنسیت نوزاد است و برحسب دختر یا پسر بودن نوزاد، واکنش‌های به نسبت متفاوتی از سوی والدین و اطرافیان صورت می‌گیرد. در بسیار از کشورها تولد نوزاد پسر شادمانی‌های گسترده و دیر پای در پی دارد، اما تولد نوزاد دختر یا به سکوت برگذار می‌گردد و یا به سرزنش‌ها و سرکوفت‌های شوهر به همسرش می‌انجامد (میشل، ۱۳۷۶: ۳۵). از آنجا که خانواده اصلی‌ترین واحد اجتماعی است و هر انسانی اولین مراحل جامعه‌پذیری را در کانون خانواده پشت سر می‌گذارد، بنابراین اولین نمونه‌های نابرابری جنسیتی را نیز در خانواده تجربه می‌نماید، روابط پدر و مادر و سهم بری آنها از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی تصویری عینی از روابط زن و مرد و تقسیم سرمایه بین آنها در ذهن کودک ایجاد می‌نماید، اگر به‌رمندی زن و مرد از امکانات مختلف نابرابر باشد این تصویر در ذهن کودکان شکل می‌گیرد که نابرابری جنسیتی امری طبیعی است. از سوی دیگر اگر باورهای قالبی جنسیتی از سوی زن خانواده پذیرفته شده باشد، دو پیامد مهم به همراه خواهد داشت: نخست باعث می‌شود زن موقعیت فرودست خود و سهم بری نابرابر از امکانات موجود را بپذیرد، دوم مادر که مهم‌ترین کارگذار جامعه‌پذیری تلقی می‌شود این باور را به نسل‌های آتی منتقل کند، هر دو پیامد فوق باعث استمرار و بازتولید نابرابری در خانواده و به دنبال آن در جامعه می‌شود. امروزه در ایران با افزایش تحصیلات زنان، تغییر در وضعیت اشتغال و تغییر در الگوی سکونت که منجر به سکونت در شهرها و مناطق جدید شده است،

وضعیت مشارکت خانوادگی زنان بیش از پیش تغییر کرده است. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دسترسی زنان به منابعی نظیر تحصیلات، اشتغال، درآمد موقعیت آنها را در ساختار قدرت خانوادگی بهبود می‌بخشد و در واقع با افزایش هر یک از منابع، چه زنان و چه مردان آزادی عمل بیشتری در ساختار قدرت پیدا می‌کنند. می‌توان گفت که تحصیلات در اکثر موارد منجر به اشتغال و درآمد زنان شده است. همان‌طور که در نظریه‌های ستیز و منابع نیز آمده است، هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. زنانی که دارای ایدئولوژی مردسالاری و باورهای قالبی قوی هستند قدرت تصمیم‌گیری کمتری دارند و براساس نظریه طرح واره جنسیتی، نقش‌پذیری جنسیتی کودکان به واسطه فرایند تدریجی محتوای طرح واره جنسیتی است که از طریق فرهنگ جامعه به فرد القاء می‌شود. مطالعه مشارکت قدرت در خانواده، تمرکز دارد روی کسی که در خانواده تصمیم‌گیرنده است. اگر چه شوهران و همسرانشان اغلب می‌گویند که با مشورت با هم تصمیم می‌گیرند، اما نقشی که آنها در فرایند تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند ممکن است کاملاً متفاوت باشد. شوهران قدرت هماهنگ‌کننده دارند آنها تمایل دارند تا در تصمیمات مهمی که در خانواده مطرح می‌شود حرف آخر را بزنند، اما زنان در خانواده قدرت اجرایی دارند و بیشتر تصمیمات روزمره را آنها می‌گیرند. گاهی تفاوت‌ها به شکل نابرابرانه‌ای در جامعه تولید می‌شود که سبب شکل‌گیری نابرابری جنسیتی است. نابرابری جنسیتی به این معنا که عمدتاً قالب‌های جنسیتی نوعی باورها و ارزش‌ها را در جامعه رواج می‌دهد که خمیرمایه آن جنس فروتر و درجه دو نگاشتن زن در قبال مرد است. اقتداری که باعث تسلط، نظارت مرد بر زن و فرزندان در تمام زمینه‌های رفتاری و اجتماعی می‌شود و در عین حال برخی از رفتارهای ناپسند مردان در خانواده را به عنوان حقوق خانوادگی آنها مطرح می‌کند این شرایط خانوادگی بر جامعه تأثیر می‌گذارد و نه فقط باعث ایجاد نابرابری‌های جنسیتی بلکه باعث ایجاد آسیب‌های اجتماعی متعددی می‌گردد. باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ این مرز و بوم ریشه دوانده است یکی از اساسی‌ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می‌شود. براساس این باورها نقش دست دوم زنان ترویج می‌شود به گونه‌ای که آنان متقاعد می‌گردند که نباید وظایف اولیه را در جامعه عهده دار شوند. در دهه‌های اخیر با توجه به گذار از جامعه سنتی به مدرن، فرایند جهانی شدن، رشد شبکه‌های ارتباطی نوین و تغییرات

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جهان در خصوص نگرش‌ها و تعریف‌های مربوط به زنان و نقش آنها در اجتماع بازاندیشی شده و مشروعیت آن مورد سؤال قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر تأیید همسویی نظر مردان و زنان در باب قدرت تصمیم‌گیری خانم‌های متأهل می‌باشد. بنابراین ارزیابی زنان از جایگاه خودشان در خانواده با آنچه که مردان نیز در خصوص جایگاه همسران نشان اعتقاد دارند همخوانی دارد. در بخش تبیین نیز با توجه به نظریه‌های منبع و نظریه ستیز و نظریه سرمایه اجتماعی برودید انتظار می‌رفت که با افزایش سطح سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی زنان قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده نیز افزایش یابد که نتایج آزمون‌های آماری این فرض را تأیید می‌کند به این معنا که نتایج برآمده از هر دو نمونه مردان و زنان نشان دادند زنانی که خود ایشان دارای ثروت و درآمد بیشتر هستند و موقعیت اجتماعی بهتر و سطح تحصیلات بالاتر برخوردارند قدرت تصمیم‌گیری بیشتری دارند. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دسترسی زنان به منابعی نظیر تحصیلات، اشتغال، درآمد موقعیت آنها را در ساختار قدرت خانوادگی بهبود می‌بخشد و در واقع با افزایش هر یک از منابع، چه زنان و چه مردان آزادی عمل بیشتری در ساختار قدرت پیدا می‌کنند. می‌توان گفت که تحصیلات در اکثر موارد منجر به اشتغال و درآمد زنان شده است. همان‌طور که در نظریه‌های ستیز و منابع نیز آمده است، هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. بلاد و ولف در مطالعه خود دریافتند که قدرت تصمیم‌گیری در خانواده عموماً با افزایش سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی افزایش می‌یابد. بنابراین متغیرهای یاد شده به عنوان منابعی که زن یا مرد می‌توانند از آن در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کنند تعریف شد. قدرت معمولاً از طریق فرایند تصمیم‌گیری اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس این نظریه فرض می‌شود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی از متغیرهایی به شمار می‌روند که بر توزیع قدرت در خانواده تأثیر می‌گذارند، نتایج تحقیق نیز گویای این است که تحصیلات، درآمد و شغل می‌تواند به عنوان منبع قدرت عمل کنند و باعث افزایش اقتدار زن در خانواده شوند. همچنین مشخص شد که رابطه مستقیمی بین جنسیت و قدرت تصمیم‌گیری وجود دارد به این معنا که مردان بیشترین قدرت را در تصمیم‌گیری‌ها دارند و زنان از قدرت تصمیم‌گیری کمتری برخوردارند. همچنین گویه‌هایی که جهت سنجش نگرش نسبت به باورها یا قالب‌های جنسیتی

طراحی شده بودند نشان داد که با وجود رویارویی با ارزش‌های مدرن و پذیرش بخشی از این ارزش‌ها به عنوان منابع هویتی خود، هنوز برای ویژگی‌ها و نقش‌های سنتی خود اهمیت زیادی قائل هستند و مشخص شد رابطه قوی و مستقیمی با قدرت تصمیم‌گیری دارد. و همچنین مشخص شد زنانی که دارای ایدئولوژی مردسالاری قوی هستند قدرت تصمیم‌گیری کمتری دارند و براساس نظریه طرح واره جنسیتی بم، نقش‌پذیری جنسیتی کودکان به واسطه فرایند تدریجی محتوای طرح واره جنسیتی است که از طریق فرهنگ جامعه به فرد القاء می‌شود. طبق این نظریه زن بودن به نقش‌های خاص خانه داری و ضعیف بودن و ناقص العقل و یا القاء صفاتی مانند اینکه مردان قوی و قدرتمند هستند همراه است به گونه‌ای که این برجسب‌های جنسیتی منجر به پیوند افراد با این عناصر مربوط به جنسیت شده آنان به طور غیر ارادی خود را با شرایط متعارف و هنجارهای اجتماع سازگار می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت نگرش‌ها و باورهای جنسیتی و ایدئولوژی مرد سالاری بر شیوه‌های جامعه‌پذیری تأثیر گذاشته و باعث نابرابری جنسیتی می‌شود. به عبارت دیگر نگرش‌ها و باورها مقدمه کنش‌ها هستند و در این بین، شیوه‌های جامعه‌پذیری حلقه واسطه نگرش و کنش هستند.

پیشنهادها

- کوشش در جهت کم رنگ نمودن باورهای قالبی جنسیتی، ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های جنسیتی از طریق آموزش‌های رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین آموزش‌های غیر رسمی از طریق رسانه‌های جمعی.
- آگاه سازی خانواده‌ها مخصوصاً والدین نسبت به حساسیت و تأثیرپذیری دوران کودکی و نقش حساس و مهم آنان در جامعه‌پذیری کودکان و تأکید بر تأثیر جامعه‌پذیری جنسیتی در شیوه نگرش، باورها و ایدئولوژی‌های کودکان و نقش مهم این جامعه‌پذیری در زندگی آینده کودکان.
- توانمند سازی زنان و کوشش در جهت بالا بردن موقعیت اجتماعی زنان از طریق افزایش سطح دانش آنان، مشارکت جدی و فعال این گروه در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد.
- توجه به نیازهای ملموس و واقعی زنان شاغل مانند تأسیس مهدکودک‌ها، کاهش ساعات کار، پرداخت حق خانه داری، ایجاد واحدهای مشاوره حقوقی زنان در محل کار.

۹۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

- استفاده از پتانسیل‌های زنان و ارتقاء جایگاه آنان از طریق فراهم ساختن زمینه برای افزایش تحصیلات تکمیلی، توسعه مهارت‌ها، اشتغال در رده‌های مدیریتی.
- توجه جدی به مسأله خشونت علیه زنان در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی و آموزش جهت کاهش آن و استفاده از سیستم‌های دقیق نظارتی.
- اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته در رده‌های مدیریتی بدون توجه به جنسیت آنان.

منابع

- امامی نصیر محله‌ای، علی، ۱۳۸۳، بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- باقری، معصومه و همکاران ۱۳۹۳ "بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده" فصلنامه توسعه اجتماعی، دانشگاه شهید چمران دوره ۹ شماره ۱ ص ۲۰۰
- ترنر، جانان‌تان، ۱۳۷۳، ساخت نظریه جامعه‌شناسی، عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، نوید.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ سوم.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۶، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول، چاپ سیزدهم
- ساگلن، مارتین، ۱۳۷۰، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، حمید الباسی، تهران، نشر مرکز،
- سعیدی، محمدرضا، ۱۳۸۵، تحلیل جنسیتی نقش‌های توسعه‌ای زنان روستایی، فصلنامه جامعه و پژوهش، شماره یک.
- ریترز، جرج، ۱۳۸۷، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی
- زنجانی زاده اعزازی، هما و صنعتی، نادر، ۱۳۹۱، سنجش میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره هشتم، شماره ۲۶
- قندهاری، پردیس، ۱۳۸۲، زن و قدرت، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی.
- گرت، استفانی، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی جنسیت، کتابیون بقایی، تهران، نشر دیگر.
- گروسی، سعیده، ۱۳۸۴، بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای اطراف، مطالعات زنان، دوره ششم، شماره دو، صفحه ۵-۲۵.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۲.
- میشل، آندره، ۱۳۸۶، پیکار با تبعیض جنسی، محمد جعفر پوینده، تهران، چشمه.
- نایی، هوشنگ؛ گلشنی، میمنت ۱۳۹۲ "تأثیر منابع در دسترسی زنان به قدرت تصمیم‌گیری شهر بابل، نشریه زن در توسعه و سیاست دوره ۱۱ شماره ۱ صص ۱۳۵-۱۵۲
- Blood, R. O. and Wolf, W. (1960). Husband and wives, Gellencoe illinois. The Free Press. Broderick, c.B.

- Li, J, G(2004)Gender inequality,Family Planning and Maternal and child care in a rural chinese county. journal of social science& Medicine. 59,695-708.
- Abbott, P& Wallace, c., (1993). Sociology (Feminist Perspective)Routledge, london.
- Franks, David D., (1972). Role – Taking & Power in social Psychology. American.